

جامعه منتظر و سرمایه اجتماعی

محمدصادق ربانی*

چکیده

بخش اول مقاله به تعریف سرمایه اجتماعی و بررسی ابعاد مختلف آن و نظریه‌ها و آرای برخی اندیشمندان از جمله کلمن و فوکویاما درباره سرمایه اجتماعی می‌پردازد و در بخش دوم مقاله نیز دو بحث مطرح می‌شود. بحث نخست سرمایه اجتماعی در عصر غیبت است و به برخی آموزه‌های دینی از جمله وفای به عهد و صلح به عنوان عامل افزایش دهنده سرمایه اجتماعی، در جامعه منتظران پرداخته شده است. همچنین به برخی عوامل آسیب‌زا به سرمایه اجتماعی - که در آموزه‌های دینی از آن‌ها نهی شده است و منتظران، ملزم به دوری از آن‌ها هستند - مانند مکر، حسد و کذب اشاره شده است. آن‌گاه به این نتیجه خواهیم رسید که رعایت دستورهای الهی در جامعه منتظران سبب افزایش سرمایه اجتماعی خواهد شد. بحث دوم، بررسی شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در عصر ظهور است.

واژگان کلیدی

جامعه منتظر، سرمایه اجتماعی، عصر غیبت، عصر ظهور، وفای به عهد، صلح، احسان به والدین.

مقدمه

سرمایه اجتماعی یکی از مباحث جدید در جامعه‌شناسی قلمداد می‌شود که افزایش آن در جوامع، حتی به رشد اقتصادی آن کشور هم کمک شایانی می‌کند. وجود آموزه‌های دینی در اسلام و تحقق آن در جامعه و اهتمام ورزیدن به آن و تقویت آن در میان اقشار و نهادهای مختلف جامعه سبب تکوین سرمایه اجتماعی و افزایش آن در جامعه منتظران می‌شود. در صورت توجه جوامع به این آموزه‌های دینی، جامعه‌ای پویا و منسجم با روحیه تعاون و همکاری به وجود می‌آید و جامعه را از فردگرایی و بی‌مسئولیتی حفظ می‌کند. بنابراین، توجه به آموزه‌های دینی در جامعه منتظران، منبع اصلی افزایش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

تعریف سرمایه اجتماعی

بی‌شک، یکی از عوامل توسعه و پیشرفت جوامع بشری، وجود سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک ساز و کار، افراد و گروه‌های مختلف را در مسیر دستیابی به اهداف و نتایج مطلوب هدایت می‌کند. سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم در میان اعضا و گروه‌های جامعه دانست که بر پایه این هنجارها، روابط و تعاملات به شکل مطلوبی سامان می‌گیرد و جامعه را به سمت و سوی کمالات سوق می‌دهد. هر کدام از اندیشمندان، تعریفی را درباره سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند. برای مثال، فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای آن که در میان آن‌ها تعاون برقرار است، در آن سهیم هستند.^۱

به عبارت دیگر، «سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی دانست که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی گروه‌های نخستین، ثانوی و در سازمان اجتماعی جامعه (نهادهای رسمی و غیررسمی) وجود دارد.»^۲ این منابع و ارزش‌ها، روابط و تعاملات اجتماعی را آسان و مطمئن می‌سازد و جامعه را در رسیدن به اهداف مشترک اجتماعی یاری می‌کند. این منابع و ارزش‌ها عبارتند از: صداقت و درستی، همبستگی، فداکاری، اعتماد داشتن به یک‌دیگر، رفع حواجی یک‌دیگر، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعلقات اجتماعی که از مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی به حساب می‌آیند.^۳

امروز در جوامع صنعتی و مدرن، جای خالی سرمایه اجتماعی در میان گروه‌ها و اعضای

جامعه آشکارا دیده می‌شود. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی نداشته باشد، روابط اجتماعی، فردگرایانه است و در آن جامعه، ازدواج‌های بی‌دوام، جنایت‌ها و ناپهنجاری‌ها و از خودبیگانگی گسترش پیدا می‌کند.^۴ حتی گسترش و افزایش سرمایه‌های اقتصادی هم بدون سرمایه اجتماعی میسر نیست. بنابراین، ویژگی مهم سرمایه اجتماعی این است که در ساختار روابط میان کنش‌گران نهفته است و کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند.^۵

۱. نظریه‌های متفکران درباره سرمایه اجتماعی

الف) کلمن

کلمن یکی از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. وی سرمایه اجتماعی را انرژی‌های نهفته در جامعه می‌داند که در پرتو این ظرفیت‌ها و انرژی‌های نهفته، ارتباطات و روابط میان مردم فعال‌تر می‌شود و سطح روابط فردی را به سطح روابط اجتماعی ارتقا می‌بخشد.^۶ وی «از اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات و هنجارها به عنوان عناصر سرمایه اجتماعی یاد می‌کند و بر نقش گروه‌های نخستین مانند خانواده، دوستان، همسایگان و محله در تولید سرمایه اجتماعی تأکید دارد.»^۷

کلمن، منبع و سرچشمه سرمایه اجتماعی را در ذات روابط اجتماعی می‌داند و معتقد است روابط اجتماعی که دارای ویژگی‌های زیر باشد، منبع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند:

۱. «بر اساس نظام تعهدات و انتظارات ایجاد شده باشد؛

۲. از ظرفیت بالقوه‌ای برای مبادله سریع و آسان اطلاعات برخوردار باشد؛

۳. مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده و مشترک اجتماعی باشد؛

۴. از ضمانت‌های اجرایی مؤثر (رسمی و غیررسمی) برخوردار باشد.»^۸

ب) پوتنام

وی ادامه‌دهنده راه کلمن در اروپاست. اولین بار، کلمن، مفهوم «سرمایه اجتماعی» را در امریکای شمالی وارد عرصه سیاست کرد و در ادامه، پوتنام این مفهوم را در اروپا به عرصه سیاست آورد. واحد مطالعات وی، رژیم‌های سیاسی و حکومت‌های ملی است. بر همین اساس، «سرمایه اجتماعی را اساس هویت، شناسایی و اعتبار جامعه می‌داند که از طریق اعتمادسازی، مردم را به تعاملات و تعلقات اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشخص ترغیب می‌کند. وی، عناصر اساسی سرمایه اجتماعی را تعهد و اعتماد متقابل، ارزش‌ها و هنجارهای

مشترک، احساس تعلق، صداقت و تعاملات اجتماعی می‌داند.^۹

جامعه‌ای که در آن، اعضا و گروه‌ها، بیش‌تر با یک‌دیگر، اعتماد متقابل، صداقت و تعلق داشته باشند و در تعاملات اجتماعی به این نکات اهمیت بدهند و آن‌ها را اعمال کنند، جامعه‌ای است که سرمایه اجتماعی مطلوبی دارد. بر همین اساس، پوتنام معتقد است در یک نظام سیاسی و اجتماعی، دولت و حاکمان به هر اندازه که بتوانند اعتماد اجتماعی را بیش‌تر کنند و اعتماد مردم را نسبت به نظام سیاسی بالا ببرند، آن نظام از ثبات و استحکام بیش‌تری برخوردار خواهد بود.

ج) فوکویاما

وی سرمایه اجتماعی را ذخیره جامعه و از ارزش‌های مشترک و مؤثری می‌پندارد که سبب همکاری میان دو یا چند نفر می‌شود. عناصر اساسی در سرمایه اجتماعی از منظر فوکویاما، هنجارهای غیررسمی، صداقت و اعتماد است.^{۱۰} هدف او از بحث سرمایه اجتماعی، رسیدن به توسعه و سرمایه اقتصادی است. فوکویاما، منابع سرمایه اجتماعی را در چهار گروه قرار داده است:

۱. منابعی که به صورت نمادی ساخته می‌شود؛
 ۲. منابع خودجوش؛
 ۳. منابع برون‌زا مانند: دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک؛
 ۴. منابع طبیعی که از طریق نظام خویشاوندی یا قومیت و نژاد ساخته می‌شود.^{۱۱}
- نکته قابل ذکر در تفکر فوکویاما این است که دین را یکی از منابع تولید سرمایه اجتماعی می‌داند. در نگاه او، دین به عنوان مجموعه‌ای از باورها و نبایدها و دستورها، عامل و منبعی برای تولید و افزایش سرمایه اجتماعی است.
- به طور کلی، نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را به دو گروه عمده می‌توان تقسیم کرد. نخست آن‌که سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای فرهنگی تعریف کنیم به این معنا که نشان‌دهنده میزان اهمیت و توجه اعضای جامعه نسبت به امور مدنی، بیان‌گر وجود هنجارهای اجتماعی و مروج کنش جمعی و میزان اعتماد به نمادهای عمومی است. در گروه دوم، سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه‌گذاری افراد در شبکه‌های اجتماعی تلقی می‌شود و سرمایه اجتماعی یک کالای خصوصی و شخصی است که می‌تواند به سرمایه فرهنگی تبدیل شود و بیان‌گر پایگاه

اجتماعی فرد باشد.^{۱۲}

مقایسه سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی

۱. سرمایه اجتماعی، مالک خصوصی و فردی ندارد و مالک آن، جامعه و گروه است؛
 ۲. فرد به تنهایی حق قانونی اجرای حقوق مالک را ندارد؛
 ۳. سود حاصل از سرمایه اجتماعی، از پیامدهای جانبی آن عمل جمعی است، نه انگیزه‌ای که به ایجاد سرمایه اجتماعی منجر شود.
 ۴. سرمایه‌گذاری، غیرعمدی است و موجودی سرمایه با اقدام فردی یا جمعی عمداً ایجاد نمی‌شود، بلکه از پیشینیان و گذشتگان به ارث رسیده و ریشه‌های آن در زمان‌های گذشته پنهان است؛
 ۵. این سرمایه قابلیت صادرات و واردات را ندارد؛^{۱۳}
 ۶. مصرف سرمایه سبب افزایش آن می‌شود.^{۱۴}
- در سرمایه اقتصادی، سرمایه، جنبه شخصی و فردی دارد. فرد یا افرادی به تنهایی، حق قانونی اجرای حقوق مالکیت را دارد. کارایی و سود مادی سرمایه، جنبه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. مصرف سرمایه سبب کاهش آن می‌شود و قابلیت صادرات و واردات را دارد.^{۱۵} بنابراین، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی، «سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یک دیگر می‌توانند به دست آورند.»^{۱۶}
- به تعبیر پورتز، در حالی که سرمایه اقتصادی در حساب بانکی افراد و سرمایه انسانی در سر افراد قرار دارد، سرمایه اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. برای برخورداری از سرمایه اجتماعی، فرد باید با دیگران رابطه داشته باشد. در واقع، همین دیگران هستند که منبع واقعی برخورداری فرد از مزایا و امتیازات به شمار می‌روند.^{۱۷}

برخی اجزای سرمایه اجتماعی

الف) اعتماد

اعتماد میان افراد یک جامعه یکی از اجزای اساسی سرمایه اجتماعی است و بدون اعتماد، برقراری ارتباط مثبت و تنگاتنگ بین افراد ممکن نخواهد بود. پس زیربنای ارتباط متقابل بین افراد، اعتماد است. جامعه‌ای که خواهان تولید یا افزایش سرمایه اجتماعی است، باید

اعتماد را بین اعضا و گروه‌هایش تقویت کند. به تعبیر فوکویاما، «اعتماد، انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی، خود را نشان می‌دهد.»^{۱۸} بسیاری از فیلسوفان اجتماعی معتقدند پایه‌ی اساسی نظم اجتماعی، اعتماد است و کارکرد آن، کاهش تنش‌ها و افزایش انسجام در جامعه است. پس احساس امنیت، عامل اعتماد در جامعه به شمار می‌رود.^{۱۹} در سایه‌ی احساس امنیت، افراد جامعه در تعاملات و روابط اجتماعی‌شان به یک‌دیگر اعتماد می‌کنند و این وضعیت سبب افزایش انسجام در جامعه و کاهش تنش‌ها و انحراف‌ها می‌شود.

چنین اعتمادی در حوزه‌ی فردی، اجتماعی و مدنی حاکم خواهد شد و اعتماد در هر یک از این حوزه‌ها نقش خاص خودش را ایفا می‌کند، ولی حوزه‌ی کاربرد آن ممکن است گسترده یا محدود باشد. نکته مهم این است که در پرتو اعتماد بین آحاد مردم، چالش‌ها و مشکلات اجتماعی و رفتاری اصلاح خواهد شد. جامعه‌ای که در آن، اعتماد بین اعضا، گروه‌ها و نهادها حاکم باشد، از نظم و انسجام اجتماعی برخوردار خواهد بود. برعکس، جامعه‌ای که نگاه‌های افراد جامعه به یک‌دیگر، بیان‌گر بی‌اعتمادی باشد، هرگز وفاق و نظم اجتماعی نخواهد داشت و روز به روز دچار چالش‌های فراوانی خواهد شد.

وجود ارزش‌های دینی و اسلامی در بین مردم یک جامعه سبب افزایش اعتماد بین آن‌ها می‌شود. با عمل به آموزه‌های دینی از قبیل صله رحم و ارتباط بین اقوام و خویشان و وفای به عهد و پیمان، اعتماد بیش‌تری میان اعضای جامعه به یک‌دیگر حاکم می‌شود و سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد.

ب) پیوندها

دومین رکن سرمایه‌ی اجتماعی بیان‌گر پیوندهای عینی بین افراد است. به عبارت دیگر، پیوندها همان ارتباطات افراد با یک‌دیگر است. پیوندهای بین افراد می‌تواند از دو نوع باشد: یکی این‌که افراد می‌توانند به شیوه‌ی غیررسمی از طریق انتخاب دوستی‌ها با یک‌دیگر در ارتباط باشند. نوع دوم این است که جدا از پیوندهای غیررسمی با دیگران، فرد می‌تواند از طریق عضویت رسمی در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه با دیگران ارتباط داشته باشد.^{۲۰} از پیوند و اعتماد بین افراد و گروه‌ها و اعضای یک خانواده، چیزی به وجود می‌آید که به آن سرمایه‌ی اجتماعی می‌گوییم.

دین و سرمایه اجتماعی

امروزه با پیشرفت‌های صنعتی و مکانیکی جوامع، ارتباط و تعاملات اجتماعی رو به کاهش نهاده است. در این میان، یکی از آسیب‌های جدی جوامع بشری، نبود سرمایه اجتماعی است. دین به عنوان یک نظام ماورای طبیعی و وحیانی یکی از عوامل جدی در تکوین و افزایش سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید. «دین به عنوان ارزش متعالی با کارکردهایی چون انضباط بخشی، حیات بخشی، انسجام بخشی و... ساز و کارهایی را موجب می‌شود که در قالب آن‌ها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و پایه‌های تحکیم توسعه فراهم می‌شود.»^{۲۱}

تأکید اسلام بر تقویت روابط اجتماعی میان اقشار مردم نهادها و به ویژه پیوند خانوادگی و ارتباط بین اقوام در قالب صله رحم ناظر به این مطلب است که انسان با عمل به این دستورها زمینه اعتماد و پیوند بین اعضای خانواده و خویشان را فراهم می‌کند. اعضا به یک‌دیگر اعتماد می‌کنند و در سایه این اعتماد، شبکه خانواده و اقوام، انسجام و همبستگی بیش‌تری به دست می‌آورد. این انسجام و همبستگی نیز سبب افزایش سرمایه اجتماعی بین اعضا می‌شود و با افزایش سرمایه اجتماعی، ناهنجاری‌ها کاهش پیدا می‌کند. پس بین افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌ها ارتباط معکوس وجود دارد.

کاند لند^{۲۲} معتقد است «دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هم‌نوعان، وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی می‌تواند مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد گردد.»^{۲۳}

بنابراین، دین را می‌توان عاملی در جهت افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه دانست که از طریق تشویق به انجام دستوره‌های مثل صله‌رحم و شرکت در نمازهای جماعت و تأکید بر مسائلی همچون صداقت، وفای به عهد و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، سرمایه اجتماعی را در جامعه منتظران تقویت می‌کند.

پس عمل به آموزه‌ها و هنجارهای دینی سبب ایجاد حس اعتماد، پیوند و تعاون و همکاری اجتماعی در میان افراد جامعه منتظران می‌شود. در پرتو این دستورها، سرمایه اجتماعی در جامعه دینی افزایش می‌یابد؛ زیرا افراد دین دار و منتظر بر اساس اعتقادشان به دین با شرکت در مجامع عمومی مثل نماز جماعت و جمعه و مناسک عمومی و با ملزم دانستن خود به تعهدات اخلاقی و اجتماعی و پای‌بندی به آموزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی، موجب افزایش اعتماد در شبکه روابط اجتماعی خود می‌شوند و این امر، سرمایه اجتماعی را به

ارمغان می آورد.

تقویت سرمایه اجتماعی در عصر غیبت

انسان هایی جزو یاران امام زمان محسوب می شوند که از سه ویژگی برخوردار باشند:

الف) شناخت پروردگار

یاران حضرت مهدی علیه السلام کسانی هستند که ویژگی شاخص آن ها شناخت و معرفتشان نسبت به پروردگار است، چنان که حضرت علی علیه السلام فرموده است:

رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^{۲۴}
مردانی مؤمن هستند که خدا را چنان که شایسته است، شناخته اند و آن ها یاران مهدی در
آخرالزمان اند.

اینان در پرتو ایمان و شناخت پروردگار، از قلوب پولادین هم برخوردارند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوهُمَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ؛^{۲۵}
آن ها مردانی هستند که گویا دل هایشان پاره های آهن است. قلب هایشان را هیچ
تردیدی نسبت به خداوند نیلاید و قلب هایشان از سنگ استوارتر است.

اینان افرادی اند که هرگز به خداوند شک و تردید ندارند و همواره قلوبشان نسبت به
پروردگار استوار و پایرجاست.

ب) شناخت امام زمان علیه السلام

از جمله ویژگی یاران امام، شناخت امام زمان خویش است. در روایات فراوانی بیان شده
است اگر کسی بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^{۲۶}
در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام فرموده است:

اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ
كَمَنْ هُوَ فِي فَسْطَاطِ الْقَائِمِ علیه السلام؛^{۲۷}

امام زمان خویش را بشناس. پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن یا تأخیر این امر
آسیبی به تو نخواهد رساند. ... پس هر آن کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی
است که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام باشد.

شناخت یاران حضرت مهدی علیه السلام از امام زمانشان همواره کامل است و در سایه این شناخت کامل چنین آثاری را هم برای خود قائل اند. امام صادق علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا يَلُ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ؛^{۲۸}

هر آن کس که امام زمانش را شناخت و قبل از قیام صاحب این امر از دنیا رفت، به سان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت‌گزاری خواهد کرد، نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.

از این رو، یکی از ادعیه دوران غیبت که به خواندن آن سفارش کرده‌اند، دعایی است که در آن، دست‌یابی به معرفت و شناخت خداوند، پیامبر و حجت و امام زمان را می‌خواهیم:

اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتْ عَنْ دِينِي؛^{۲۹}

شناخت حقیقی امام زمان علیه السلام به عنوان شخصیت مقدسی که در رأس هرم جامعه اسلامی، هدایت و سعادت مسلمانان را بر عهده دارد، سبب می‌شود جامعه از تقویت روابط اجتماعی و در نتیجه، افزایش اعتماد بین افراد منتظر، سود ببرد.

سازوکار این افزایش اعتماد و تقویت روابط و پیوند اجتماعی در افراد منتظر امام زمان علیه السلام آن است که منتظران به دنبال برقراری سخیت بین خود و مقتدای خود هستند. این سخیت و نزدیکی با حضرت مهدی علیه السلام نیز حاصل نمی‌شود مگر با تحقق بخشیدن به ارزش‌ها و هنجارهای دینی در جامعه و این موضوع، عامل مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی در عصر غیبت خواهد بود.

ج) اطاعت محض از دستوره‌های خداوند و اولیای الهی

یاران حضرت مهدی علیه السلام پس از شناخت و معرفت خداوند و امام زمان علیه السلام اعمال و رفتار خود را در جهت شناختشان سوق می‌دهند. یعنی در رفتار هم طبق همان ایده و بینشی که دارند، عمل می‌کنند. پس منتظران واقعی و یاران امام زمان در عصر غیبت از دستوره‌های امام هم اطاعت می‌کنند. در نتیجه، به چنان جایگاهی می‌رسند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ ... أَوْلَيْكَ رُفْقَائِي وَأَكْرَمُ

أُمَّتِي عَلَيَّ؛^{۳۰}

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و پیش از قیامش به او اقتدا کند و از او و امامان هادی پیش از او پیروی کند... آنان رفقای من و گرمی‌ترین امت من هستند.

از جمله دستوره‌های خداوند و اولیای او که سبب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود و منتظران واقعی به آن ملتزمند، وفای به عهد، صلۀ رحم و نیکی به والدین است.

دین اسلام به دنبال تقویت روابط اجتماعی و اعتماد بین افراد جامعه است. سفارش به وفای به عهد و پیمان، دوری از غش در معاملات، کذب، افترا، استهزای افراد و برقراری محبت، موَدّت و نیکی بین افراد جامعه نمایان‌گر نگاه اسلام به تقویت روابط اجتماعی و افزایش اعتماد اجتماعی است. با تقویت روابط اجتماعی و اعتماد در جامعه منتظر، سرمایه اجتماعی شکل خواهد گرفت و با شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، انسجام و وفاق اجتماعی افزایش می‌یابد و ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها در جامعه منتظر کاهش پیدا می‌کند.

در این قسمت فقط به واکاوی صلۀ رحم، احسان به والدین و وفای به عهد به عنوان سفارش اسلام برای تحکیم پیوندها و افزایش اعتماد اجتماعی می‌پردازیم.

عوامل دینی تقویت‌کننده اعتماد و پیوند اجتماعی

الف) وفای به عهد و وعده‌ها

در آیات ۳۴ سوره اسراء و ۱۷۷ سوره بقره سفارش شده است به عهد و پیمان‌های اجتماعی و فردی پیش خود پایبند باشید؛ چراکه در پرتو وفای به عهد، سرمایه اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد.

وفای به عهد چنان با اهمیت است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَبِئْ إِذَا وَعَدَ؛^{۳۱}

از نشانه‌های فرد بالیمان و معتقد به روز آخرت این است که وقتی با کسی پیمان و وعده‌ای کرد، باید وفا کند.

انسان‌هایی که به عهد و پیمان‌های خود پایبند نیستند، به استناد این حدیث، انسان‌های بالیمان محسوب نمی‌شوند.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَ

بُرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ؛^{۳۲}

سه چیز است که خداوند مخالفت در آن‌ها را برای هیچ کس جایز ندانسته است: اول ادای امانت در مورد همهٔ انسان‌ها چه نیکوکار و چه فاجر. دوم وفای به عهد و پیمان دربارهٔ هر کس، خواه نیکوکار باشند و خواه فاجر و نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار باشند، خواه فاجر.

این حدیث نشان می‌دهد که در سفارش اسلام به ادای امانت، وفای به عهد و نیکی به والدین، مؤمن بودن آن‌ها شرط نیست. پس هر کسی در مقابل این سه مورد باید به وظیفهٔ دینی خود عمل کند و ایمان داشتن و نیکوکار بودن در آن مدخلیت ندارد. بنابراین، سفارش اسلام به وفای به عهد و وعده‌ها تلاشی برای تقویت سرمایهٔ اجتماعی بین آحاد جامعه است. با رعایت کردن این دستور اسلام، جامعه از اعتماد و پیوند مستحکمی برخوردار خواهد شد.

نمونه‌ای از وفای به عهد پیامبر اکرم ﷺ

روزی پیامبر اکرم ﷺ با مردی قراری گذاشتند که در کنار صخرهٔ معینی در انتظار آن مرد بمانند تا وی برگردد. شدت گرمای آفتاب، پیامبر را در آن محل آزار می‌داد. اصحاب گفتند: چه می‌شود که به سایه بروید؟ حضرت فرمودند: وعده‌گاه ما همین جا کنار این صخره است و اگر نیاید، خلف وعده از جانب او خواهد بود.^{۳۳}

اصرار پیامبر اکرم ﷺ در آن موضع و وعده‌گاه، نشان‌دهندهٔ پایبندی حضرت به وفای به عهد است. بنابراین، رعایت این دستور یکی از عوامل افزایش سرمایهٔ اجتماعی در جامعهٔ دینی محسوب می‌شود.

کارکردهای اجتماعی وفای به عهد

۱. نشاط و امیدواری

در جامعه‌ای که افراد آن به پیمان‌ها وفا دارند، دغدغهٔ اصلی افراد جامعه، بستن پیمان‌ها و قراردادهای اجرایی شدن و عمل به آن‌ها نیست. به این معنا که اضطراب ندارند؛ چون می‌دانند افراد به پیمان‌های خود پایبند هستند. اگر پایبند نباشند، دغدغهٔ اصلی آن‌ها، اجرا شدن پیمان‌ها خواهد بود و همیشه دچار اضطراب و وحشتند که آیا این پیمان و عهد اجرا می‌شود یا نه. در سایهٔ وفای به عهد، افراد جامعه کارها را با امیدواری و نشاط فراوان دنبال می‌کنند و هرگز یأس و اضطرابی در آن‌ها راه پیدا نخواهد کرد.

۲. افزایش همبستگی و انسجام در بین مردم

جامعه‌ای که افراد آن نسبت به پیمان‌ها پایبند باشند و وفای به عهد را در پیمان‌ها در نظر بگیرند، از انسجام و همبستگی بالایی برخوردار خواهد بود. برعکس، جامعه‌ای که روابط اجتماعی بین اعضای گروه‌ها عمودی باشد؛ یعنی رابطه ارباب و رعیتی حاکم باشد و به جای پایبندی به قراردادها، زور و زر حاکم شود، نابود خواهد شد.

وقتی روابط اجتماعی بین اعضای جامعه، افقی باشد و همه خود را در یک سطح و ملزم به رعایت قراردادها ببینند، احساس تعلق و همبستگی بیش‌تر خواهد شد. «در این زمینه می‌توان به تحقیقات اخیر «لولر» و «یون» اشاره کرد. آن‌ها به اثبات رسانده‌اند که هرچه روابط درون یک گروه، افقی‌تر باشد، همبستگی بین اعضا و پایبندی آن‌ها به گروه بیش‌تر می‌گردد.»^{۳۴}

بر همین مبنا، دستورها و ارزش‌های تأکید شده در دین مقدس اسلام مثل وفای به عهد و پیمان‌ها سبب می‌شود روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی بر پایه احترام متقابل و افقی محسوب شود و همه احساس می‌کنند باید بر این مبنا حرکت کنند. در نتیجه، افراد به خود اجازه نمی‌دهند بر خلاف ارزش‌های دینی و اجتماعی حرکت کنند. بنابراین، روحیه انسجام بین افراد جامعه حاکم می‌شود.

۳. کاهش ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها

وفای به عهد اگر در جامعه‌ای حاکم باشد، در معاملات و تعاملات اجتماعی تخلف وجود ندارد و افراد طبق موازین و معیارهای اجتماعی عمل می‌کنند؛ چون انسان‌ها هرچه هنجارمند عمل کنند، زمینه انحراف‌ها در آن جامعه کاهش می‌یابد. بنابراین، سفارش اسلام به وفای عهد، زمینه اختلال در رفتار و روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد و روحیه امید و انسجام در جامعه افزایش پیدا می‌کند. پس التزام منتظران به این دستور سبب افزایش سرمایه اجتماعی در میان آنان خواهد شد.

ب) احسان به والدین

خداوند در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بنی اسرائیل می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الدَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾^{۳۵}

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از

آن دو یا هر دو، در کنار تو به سال خوردگی رسیدند، به آن‌ها [حتی] اُف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن‌ها سخنی شایسته بگوی. از سر مهربانی، بال فروتنی برآنان بگستران و بگو: «پروردگارا، آن دو را رحمت کن، چنان‌که مرا در خُردی پروردند.»

خداوند چنان به احسان و نیکی به والدین سفارش کرده است که بعد از مسئله توحیدی، مسئله احسان به والدین مطرح شده و منظور از احسان هم به صورت مطلق آن آمده است؛ یعنی شامل هر نوع نیکی به والدین می‌شود.

سفارش اسلام به احسان به والدین، توجه دادن انسان‌ها به عوامل اصلی حیات انسانی و تشکیل‌دهندگان خانواده است. خانواده، هسته مرکزی تربیت و رشد شخصیت انسان به حساب می‌آید. پس هرچه این کانون، مقدس‌تر و بااهمیت‌تر و بیش‌تر مورد احترام باشد، در تربیت و رشد شخصیت فرزندان مؤثرتر است. خانواده به‌عنوان هسته اولیه اجتماع زمانی از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار می‌شود که هر کدام از اعضای آن به وظایف دینی و انسانی خود عمل کنند. توجه اسلام به احترام به والدین نشانه تأکید بر افزایش سرمایه اجتماعی در میان خانواده‌ها و حفظ و حراست از این سرمایه اجتماعی است؛ چون در این صورت، روابط اجتماعی فرزندان با والدین به بالاترین سطح عاطفی می‌رسد و این امر عاملی برای افزایش سرمایه اجتماعی است. پس خانواده دینی را می‌توان منبع اصلی در افزایش سرمایه اجتماعی دانست.

خانواده از طریق جامعه‌پذیر کردن فرهنگ دینی بین اعضای خود از جمله تشویق به صدق و راستی و دیگر هنجارهای دینی و اسلامی می‌تواند به عاملی در راه افزایش سرمایه اجتماعی تبدیل شود. تأکید اسلام بر احسان به والدین بیان‌گر تقویت سرمایه اجتماعی است که در سایه آن، خانواده، انسجام بالایی به دست می‌آورد و به کارکردهای اصلی خود از جمله آموزش و رشد تحصیلی کودکان و کارکرد تربیتی می‌پردازد. با احسان و نیکی و حفظ حرمت‌ها و حریم‌ها در نظام خانواده، این نهاد مهم، کارکرد تربیتی و آموزشی خود را بهتر انجام می‌دهد، ولی اگر این احسان‌ها و حفظ حریم‌ها نباشد، سرمایه اجتماعی در خانواده شکل نخواهد گرفت.

بنابراین، تکوین سرمایه اجتماعی در خانواده به احسان و نیکی فرزندان نسبت به والدین بستگی دارد. با این نگاه می‌توان سفارش‌های پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام را درباره احسان به والدین تحلیل کرد و فهمید.

روایت شده است که جوانی خدمت پیامبر آمد و از علاقه خود نسبت به جهاد و شهادت گفت. پیامبر فرمودند: «اگر در جهاد شرکت کنی و شهید شوی، نزد خداوند هستی و اگر سالم برگردی، همانند روزی که از مادر متولد می‌شوی، از گناهان پاک شده‌ای.» جوان، پدر و مادر خود را مانع شرکت در جهاد دانست؛ چون به مراقبت نیاز داشتند. حضرت فرمودند: «یک شبانه‌روز مأنوس بودن با پدر و مادر از جهاد یک سال بهتر است.»^{۳۶}

ج) صله رحم

یکی دیگر از آموزه‌های دینی که سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود و منتظران باید به آن توجه داشته باشند، صله رحم و ارتباط با خویشان و اقوام است. در جامعه صنعتی و مدرنیته، به همان میزان که سطح تحصیلات و منزلت افراد بالاتر رفته، معاشرت و ارتباطات فامیلی کمتر شده و سرمایه اجتماعی کاهش یافته است. افراد در پی ارتباطات و تعاملات، پیوندها و اعتماد را در نهاد خود تقویت می‌کنند و سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود. اقوام در پی اعتماد بالا به یک‌دیگر، هرگز دچار اختلال رفتاری و گفتاری نمی‌شوند و تعاملاتشان از روی محبت، صمیمیت و صداقت تنظیم می‌گردد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

محبوب‌ترین گام‌های انسان در راه خداوند، دو گام است. یکی قدمی که به وسیله آن به صف مسلمانان ملحق شود و قدم دوم، گامی است که برای صله رحم بردارد.^{۳۷}

وجود برخی شاخصه‌ها و الگوها در بین اقوام و خویشان نشان‌دهنده افزایش حس اعتماد و پیوندها بین آنهاست که اکنون به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تشکیل و تأسیس انجمن‌های مختلف از جمله قرص الحسنه در میان اقوام، بر تقویت حس اعتماد در میان آنان دلالت می‌کند.

۲. تشکیل و برپایی جلسات دوره‌ای در میان اقوام، بیان‌گر افزایش پیوندها در میان آنهاست.

۳. پیوند و تقویت رابطه خویشاوندی از طریق ازدواج‌های درون‌گروهی و درون فامیلی نشان‌دهنده افزایش اعتماد و تقویت پیوندهاست.

وجود این شاخصه‌ها در درون اقوام از افزایش سرمایه اجتماعی در میان آنها حکایت دارد. بنابراین، سفارش اکید اسلام به صله رحم حتی با سلام کردن که نخستین مرحله ارتباط و

تعامل بین دو نفر است، می‌توان شاخصی برای افزایش سرمایه اجتماعی در بین افراد جامعه ارزیابی کرد. از این رو، برخورداری جامعه منتظر از این صفات آن‌ها را به این سرمایه اجتماعی می‌رساند.

خلاصه سخن این‌که عمل به دستورهای دینی از جمله وفای به عهد، صلح رحم و احسان به والدین در جامعه منتظر از منابع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است و آثار و کارکردهایی را خواهد داشت، مانند:

۱. افزایش روحیه همبستگی و انسجام در جامعه؛
 ۲. کاهش ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها: به عبارتی، سرمایه اجتماعی در جامعه نقش نظارتی ایفا می‌کند؛ چون سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای دینی را تقویت می‌کند و به عاملی برای کاهش جرایم و ناهنجاری‌ها تبدیل می‌شود.
 ۳. تقویت بنیه علمی و تحصیلی افراد خانواده و خویشان: به این تربیت، جامعه از رشد علمی بالایی برخوردار می‌شود؛ چراکه تعاملات خوب و مثبت والدین با فرزندان و برعکس، چنین کارکردی خواهد داشت؛
 ۴. در پی ارتباط و تعاملات افراد جامعه به ویژه افراد یک خانواده و اقوام با یک دیگر، آن‌ها از مسائل مالی و اقتصادی همدیگر آگاه می‌شوند و به دنبال رفع آن نیازها بر می‌آیند. در نتیجه، افراد از سلامت روانی خوبی برخوردار می‌شوند که خود یکی از آثار سرمایه اجتماعی است. «فقدان این نوع سرمایه باعث احساس انزوا و افسردگی فرد می‌شود.»^{۳۸}
- در پایان، لازم است به برخی دستورهای اسلام اشاره کنیم که مسلمانان از آن‌ها نهی شده‌اند؛ زیرا این نوع ناهنجارهای رفتاری و اخلاقی، عاملی مخرب و آسیبی فراروی سرمایه اجتماعی است.

عوامل تضعیف‌کننده سرمایه اجتماعی در عصر غیبت

۱. مکر، حسد، غش و خیانت

وجود مکر و حيله و حسد میان افراد جامعه منتظر و وجود غش و خیانت در معاملات از آسیب‌های فراروی سرمایه اجتماعی است؛ چراکه اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

کسی که مسلمان است، هرگز مکر و خدعه نمی‌کند. همانا از جبرئیل شنیدم که می‌گفت:

کسانی که مکر و خدعه می‌کنند، جایگاهشان در آتش است. [سپس پیامبر ﷺ فرمودند:]
از من نیست کسی که در معامله غش کند و مسلمان هرگز غش در معامله و
خیانت نمی‌کند.^{۳۹}

۲. کذب و دروغ

دروغ گفتن از آثار بی‌اعتمادی در جامعه است. جامعه‌ای که دروغ گفتن در آن نهادینه
شده باشد، از اعتماد اجتماعی بی‌بهره است و بر همین اساس، روابط اجتماعی‌شان دچار
اختلال می‌شود.

دروغ گفتن آن قدر نهی شده است که انسان‌ها از دروغ گفتن بچه‌ها و حتی به شوخی هم
برحذر داشته شده‌اند. دروغ، زیربنای امنیت اجتماعی را نشانه می‌گیرد که اعتماد در میان
افراد جامعه است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَثْرَكَ الْكُذِبُ هَزْلُهُ وَجِدَهُ؛^{۴۰}

لازمه چشیدن طعم ایمان، ترک دروغ است؛ چه شوخی و چه جدی.

پس ترک دروغ سبب شکل گرفتن شخصیت سالم افراد می‌گردد و گرنه با گفتن دروغ‌های
شوخی‌گونه، شخصیت فرد بر همان اساس نهادینه می‌شود و اعتماد اجتماعی از بین می‌رود.

۳. دوچهره بودن انسان‌ها

دو چهره بودن در اجتماعات به این معناست که انسان در مقابله با برخی افراد با چهره
مثبت ظاهر شود و در برخورد با برخی دیگر با چهره منفی. به عبارت دیگر، دورویی و نفاق در
جامعه، سم مهلک سرمایه اجتماعی است؛ چراکه اعتماد اجتماعی میان افراد جامعه را از بین
می‌برد. بر همین اساس، یکی از سفارش‌های اسلام، نفی نفاق و دو چهره بودن افراد در جامعه
است. در روایات، از چنین شخصی بسیار مذمت شده است. از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
کسی که مسلمانان را با دو چهره و با دو زبان (دورویی و نفاق) ملاقات کند، در روز قیامت
هم با دو زبان از آتش برانگیخته می‌شود.^{۴۱}

بنابراین، دورویی و دوچهره بودن از عوامل مخرب سرمایه اجتماعی است.

۴. آزار مؤمن

اذیت کردن مؤمن و هر انسانی در دین اسلام مذمت شده است؛ چون عامل مخرب سرمایه
اجتماعی به حساب می‌آید. بر همین اساس، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

کسی که مؤمنی را اذیت کند، به جنگ من آمده است و کسی که انسان مؤمن را اکرام و احترام کند، از غضب من در امان است.^{۴۲}

جامعه مؤمنان مثل یک پیکر هستند که آزار هر شخص همانند آزار رهبر و مقتدای آن یعنی امامان است.

به طور کلی، سفارش اسلام بر نفی غش، حسد، خدعه، مکر، آزار مؤمنان، دروغ، نفاق و دوچهره بودن همه حکایت‌گر آن است که با عمل به این دستورها، سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و برعکس، وجود چنین رفتارهایی در جامعه، عامل مخرب سرمایه اجتماعی است. رعایت چنین مواردی در جامعه منتظر سبب افزایش سرمایه اجتماعی در آن جامعه خواهد شد. حکومت حضرت مهدی موعود علیه السلام حکومتی است که بر محور اخلاق و هنجارهای دینی و پایبندی به ارزش‌های اسلامی می‌چرخد و این موارد، عاملی هستند برای افزایش سرمایه اجتماعی. به همین جهت، منتظران امام زمان علیه السلام نمی‌توانند به ناهنجاری‌ها و ضداورزش‌ها آلوده باشند یا به آلودگی جهان کمک کنند، بلکه باید برای اصلاح خود و محیط پیرامون خویش بکوشند تا جامعه‌ای خالی از ناهنجاری‌ها به وجود آید و زمینه‌ساز حکومت جهانی شوند.

در حدیثی آمده است که حضرت مهدی علیه السلام از اصحابشان بیعت و پیمان‌نامه‌ای می‌گیرند که سرقت نکنند، زنا نکنند، سب و دشنام ندهند، قتل محرمی انجام ندهند، مال یتیم نخورند و...^{۴۳} این حدیث ناظر به عوامل تضعیف‌کننده سرمایه اجتماعی است؛ چون وجود این ناهنجاری‌ها در جامعه منتظر، سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

تجلی سرمایه اجتماعی در عصر ظهور

در این قسمت به شاخصه‌هایی می‌پردازیم که عامل تعیین‌کننده‌ای در تقویت سرمایه اجتماعی در عصر ظهور هستند. تقویت این ویژگی‌ها می‌تواند جامعه منتظران را در افزایش سرمایه اجتماعی یاری کند و الگوی مناسبی برای منتظران در عصر غیبت خواهد بود.

الف) توحیدمحوری و اقبال به شرع و دیانت

برترین عاملی که سبب افزایش سرمایه اجتماعی در عصر ظهور می‌شود، گسترش توحیدمحوری در جامعه است. همه افراد جامعه زندگی موحدانه‌ای خواهند داشت. مردم در تمام تعاملاتشان، توحیدمحوری را رعایت می‌کنند و جامعه منسجم و یک‌پارچه‌ای بر محور

خدا محوریت تشکیل خواهد شد.

در روایتی آمده است که وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می‌شود، دین اسلام را بر فرقه‌های مختلف عرضه می‌کند، اگر از روی اختیار اسلام آوردند، حضرت آن‌ها را به نماز و زکات و آن چه به یک مسلمان امر شده است، امر می‌کند. اگر قبول نکنند، گردنشان را می‌زند تا این که کسی در مشرق و مغرب باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند را قبول دارد و موحد است.^{۴۴} یا در روایت دیگری آمده است که در عصر ظهور، مردم به شرع و دیانت اقبال می‌کنند و آن را می‌پذیرند.^{۴۵} بنابراین، جامعه‌ای که فرهنگ عمومی آن، توحید محوریت باشد و عموم مردم موحد و خدا پرست باشند، همه در یک مسیر و بر اساس یک فرهنگ دینی زندگی می‌کنند که خود، عاملی در راه گسترش سرمایه اجتماعی است.

ب) امامت محوری

بعد از توحید محوریت، عامل دومی که سبب افزایش سرمایه اجتماعی در آن زمان می‌شود، امامت محوری است که همه شیعیان حول محور امام جمع می‌شوند. امام در رأس هرم جامعه اسلامی، عامل مهمی در برقراری ارتباط میان افراد و انسجام بخشی میان آنان به شمار می‌رود. در روایت آمده است که وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کنند، خداوند، همه شیعیان را از شهرهای مختلف حول محور امام جمع می‌کند.^{۴۶} یا آن قدر محبت و علاقه و پیوند عاطفی بین مردم و امام وجود دارد که مردم به امام زمان علیه السلام گرایش پیدا می‌کنند و دور او حلقه می‌زنند و جمع می‌شوند، همان طور که زنبور عسل دور ملکه خود جمع می‌شود.^{۴۷} بنابراین، امام، عامل مهمی در تقویت پیوندهای اجتماعی در میان افراد جامعه خواهد بود و به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند.

ج) گسترش ارزش‌های دینی

۱. یکی از ارزش‌های دینی که در عصر ظهور گسترش پیدا می‌کند و عاملی است برای عمق بخشیدن پیوند در میان جامعه، اقبال مردم به نماز جماعت است.^{۴۸} برگزاری نمازها در اجتماع‌ها بیان‌گر تقویت پیوندهای اجتماعی است.

۲. مصداق دومی که در جامعه مهدوی مطرح است و گسترش ارزش‌های دینی را در آن جامعه نشان می‌دهد، ادای امانت است^{۴۹} که خود از نشانه‌های پیوند عمیق مردم با یکدیگر به شمار می‌رود.

دو بخش مهم تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در جامعه، اعتماد و پیوند است. گسترش نمازها به جماعت و گسترش آن در اجتماعات نشان دهنده گسترش پیوندها میان مردم است. ادای امانت در جامعه مهذوبی نیز از نشانه‌های تقویت اعتماد در میان افراد جامعه به حساب می‌آید و گسترش این ارزش‌ها در آن جامعه، نماد تقویت سرمایه اجتماعی است.

د) اوج شکوفایی امنیت فردی و اجتماعی

در عصر ظهور، امنیت فردی و اجتماعی حاکم است و این امنیت چنان به اوج می‌رسد که گرگ و گوسفند در یک مکان به سر می‌برند و بچه‌ها با مار و عقرب بازی می‌کنند و این حیوانات، آنان را آزار نمی‌دهند.^{۵۰} غیر از ظاهر این روایات، معنای کنایی هم از آن‌ها می‌توان استفاده کرد که منظور، مطلق امنیت اجتماعی در جامعه است و این مثال‌ها، اوج امنیت در آن دوران را نشان می‌دهد. از این رو، از ناحیه دیگران هیچ آزاری متوجه افراد آن جامعه نمی‌شود. در روایت دیگری هم آمده است که در عصر ظهور، نه خونی به ناحق ریخته می‌شود و نه کسی، خوابیده‌ای را بیدار می‌کند.^{۵۱} پس همه در آسایش کامل به سر می‌برند و افراد برای حقوق اجتماعی دیگری احترام قائل‌اند و این رفتارهای اجتماعی، عاملی برای تقویت سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

ه) مبارزه با شبکه مخل روابط اجتماعی و ناهنجاری‌های اجتماعی

در زمان ظهور حضرت، یکی از اقدامات امام زمان علیه السلام که سبب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود، مبارزه با شبکه‌های مختل‌کننده روابط اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد است. مصداق یکی از این موارد، وجود دجال در جامعه است که مظهر فساد و عامل گسترش فساد و ناهنجاری در جامعه به شمار می‌رود.

امام زمان علیه السلام هر عاملی را که مظهر فساد و ناپاکی و مختل اعتماد و پیوندهای اجتماعی است، از بین خواهد برد؛ چراکه مظاهر فساد و انسان‌های فاسد، شبکه روابط اجتماعی سالم بین مؤمنان و ساختار جامعه اسلامی را برهم می‌زنند و این مظاهر فساد در آرمان شهر مهذوبی (عصر ظهور) محو می‌شوند. در روایتی آمده است که کارهای خلاف و فاسدی که دجال در جامعه گسترش می‌دهد، از این قبیل است: ادعای الوهیت می‌کند، زنا و لواط را مباح می‌کند؛ بقیه مناهی از جمله مباشرت و اختلاط زنان و مردان را جایز می‌شمارد؛ یاران و اطرافیانش در خوردن گوشت خوک و شراب خواری زیاده‌روی می‌کنند تا این‌که بی‌بندوباری و فسق و فجور

رواج پیدا می‌کند. در این هنگام، حضرت مهدی علیه السلام او را می‌کشد.^{۵۲} یکی دیگر از مظاهر فساد که سبب فروپاشی جامعه می‌شود، فساد اقتصادی و گسترش رباست؛ چراکه گسترش ربا در جامعه، بسیاری از پیوندهای عمیق بین مردم و خانواده‌ها را از بین می‌برد و عامل مخربی در تقویت روابط و پیوندهای اجتماعی و خانوادگی است. در عصر ظهور، این مظهر فساد هم برچیده می‌شود^{۵۳} و جامعه از عوامل مخرب سرمایه اجتماعی تهی می‌گردد. بنابراین، جامعه مهدوی به جامعه‌ای موحد، منسجم و یک پارچه تبدیل می‌شود که راه سعادت و کمال انسانی را خواهد پیمود.

نتیجه

بی‌تردید، رعایت دستورهای الهی در جامعه منتظران حضرت مهدی علیه السلام از جمله صلح رحمی، وفای به عهد و دوری از برخی ناهنجاری‌ها در جامعه منتظران حضرت از جمله آزار مؤمن، دروغ، مکر، حيله و خیانت و تأکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در عصر ظهور سبب افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه خواهد شد.

منابع

۱. *آنا تومی جامعه: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*، فرامرز رفیع پور، تهران، انتشار، ۱۳۷۷ ش.
۲. *آینده جهان*، رحیم کارگر، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۳. *بحار الانوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴. *بحار الانوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۵. «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، محمود کتابی و دیگران، مجله پژوهشی *دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ۱۳۸۳ ش.
۶. رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان، «مطالعه موردی یازده دانشگاه دولتی شهر تهران»، فریدون وحید و دیگران.
۷. *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، کیان تاج بخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه، ۱۳۸۴ ش.
۸. *الغیبة*، محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.
۹. *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، چاپ دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۱۰. *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق)، قم، انتشارات جمکران، بی تا.
۱۱. *مسائل اجتماعی ایران*، محمود شارع پور، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، آگه، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. *مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، محمد زاهدی اصل، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. *منتخب الاثر*، لطف الله صافی گلپایگانی، مکتب الصدر.
۱۴. *منتخب الاثر*، لطف الله صافی گلپایگانی، مؤسسة سیده المعصومة، ۱۴۲۱ ق.
۱۵. *منتخب میزان الحکمة*، محمد محمدی ری شهری، تلخیص: سید حمید حسینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. *وسائل الشیعة*، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، انتشارات دار احیاء التراث العربی.

پی‌نوشت‌ها

* پژوهش‌گر مهدوی و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

۱. «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، ص ۶۷؛ مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ج ۷، ش ۲، ص ۵۹ - ۹۲.
۲. همان.
۳. همان.
۴. سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ص ۱۰.
۵. همان، ص ۱۱.
۶. «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، ص ۶۸.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان، ص ۶۹.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۶۹ - ۷۰.
۱۲. مسائل اجتماعی ایران، ص ۳۰۴.
۱۳. «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، ص ۶۶.
۱۴. سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی، ص ۲۸.
۱۵. «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، ص ۶۶ - ۶۷.
۱۶. مسائل اجتماعی ایران، ص ۲۹۶.
۱۷. همان، ص ۲۹۸.
۱۸. همان، ص ۳۰۶.
۱۹. همان، ص ۳۰۷.
۲۰. همان، ص ۳۰۸.
۲۱. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ص ۱۷۰؛ مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۶۹ - ۱۹۲.
۲۲. همان، ص ۱۷۶.
۲۳. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹.
۲۴. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲۵. همان، ج ۲۲، ص ۳۳۱.
۲۶. الغیبة، باب ۲۵، ح ۷، ص ۳۳۱.
۲۷. همان، ص ۳۲۹، باب ۲۵، ح ۲.

٢٩. همان، ص ١٦٦.
٣٠. كمال الدين وتمام النعمة، ج ١، باب ٢٥، ح ٣، ص ٥٣٥.
٣١. منتخب ميزان الحكمة، ص ٥٤٢.
٣٢. همان.
٣٣. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٥١٦.
٣٤. آنا تومى جامعه: مقدمه اى بر جامعه شناسى كاربردى، ص ٧٦.
٣٥. سورة اسراء، آيات ٢٣ - ٢٤.
٣٦. الكافي، ج ٢، ص ١٦٠.
٣٧. بحار الانوار، ج ٧١، ح ٧، ص ٨٩.
٣٨. مسائل اجتماعى ايران، ص ٣١٥.
٣٩. وسائل الشيعة، ص ٥٧٠.
٤٠. همان، ص ٥٧٧.
٤١. همان، ص ٥٨١.
٤٢. همان، ص ٥٨٧.
٤٣. منتخب الاثر، ص ٤٦٩.
٤٤. سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾ قَالَ: أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالرَّنَادِقَةَ وَأَهْلِ الرِّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَزَبَهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُسْلِمْ صَرَبَ عُقُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ... (منتخب الاثر، ص ٥٨٧)
٤٥. ... وَ يَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَالشَّرْعِ وَالِدِّيَانَةِ... (همان، ص ٥٩٢)
٤٦. ... وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ. (همان، ص ٥٩٧)
٤٧. ... تَأْوَى إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا يَأْوَى التَّحِلُّ إِلَى يَعْسُوبِهَا. (همان، ص ٥٩٨)
٤٨. ... يَقْبَلُ... الصَّلَاةَ فِي الْجَمَاعَاتِ. (همان، ص ٥٩٢)
٤٩. ... وَ تَوْدَى الْأَمَانَاتِ. (همان)
٥٠. ... تَرَعَى الشَّاةَ وَالذَّنْبَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ وَيَلْعَبُ الصَّبِيَّانَ بِالْحَيَاةِ وَالْعُقَارِبَ وَلَا تَضْرَهُمْ بِشَيْءٍ... (همان، ص ٥٩٢)
٥١. ... حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ لَا يَوْقُظُ نَائِماً وَلَا يَهْرَقُ دَمًا. (بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٩٠)
٥٢. ... أَنَّهُ يَدْعَى الْإِلَوهِيَّةَ... فَيُبِيحُ الزَّانَا وَاللَّوَاطَ وَسَائِرَ الْمَنَاهِي... (منتخب الاثر، ص ٦٠٢ - ٦٠٣)
٥٣. ... يَذْهَبُ الرَّبَا... (همان، ص ٥٩٢)